

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

صص ۲۶۰-۲۲۷

فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا^۱

سید محمد هاشمی^۲، بختیار عباسلو^۳، سام سوادکوهی^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: پلیس به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت و یک نهاد تأثیرگذار در حیطه حقوق شهروندی، در راستای انجام تکالیف قانونی خود به حقوق شهروندان توجه دارد و نباید با توجه به برقراری امنیت، تعهداتش در برابر شهروندان که همان حمایت از حقوق و آزادی‌های آن‌ها است را نادیده بگیرد؛ چون ممکن است برای مأمور یا نهاد پلیس مسئولیت مدنی متأثر از فعل زیانبار در اقدامات پلیسی ایجاد نماید. بنابراین، این تحقیق قصد دارد فعل زیانبار پلیس را از حیث نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

روش: تحقیق حاضر به جهت ماهیت، کاربردی است و به روش تحلیل محتوای کیفی از نوع عرفی و با بهره‌گیری از منابع مرتبط با حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا که در حد اشباع نظری به شیوه هدفمند انتخاب شده بودند، انجام شد و از آنجا که تحقیق کیفی بود یافته‌ها به شیوه ارائه متن تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان دادند که هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه این پژوهش در کنار دیگر ارکان مسئولیت مدنی، شرط فعل زیانبار را از ضروریات تحقق و شکل‌گیری مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی دانستند.

نتیجه‌گیری: بر مبنای یافته، تقصیر بیش از هر چیز دیگر در تحقق شرط فعل زیانبار جلوه‌گری کرده است و در این میان تقصیر از حیث نوع فعل، تقصیر از حیث عنصر روانی فعل زیانبار، از جمله مواردی بودند که در نقض حقوق شهروندان تأثیر داشتند.

کلمات کلیدی: پلیس، مسئولیت مدنی، فعل زیانبار، حقوق شهروندی، کامن‌لا، تقصیر.

۱. مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۳ - استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

abaslob@yahoo.com

۴ - استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

رعایت حقوق شهروندی در ملاک سنجش ارتباط پلیس با شهروندان، جایگاه مهمی ایفا می‌کند. به عبارتی صرف نظر از مفهوم اصطلاح شهروند و ملاک‌های معرف آن، فرد انسانی بماهو انسان بودن خویش باید از حقوق و آزادی‌های فردی مشروع برخوردار باشد.

در نظام‌های مردم‌سالار که وجه بارز مشروعیت حکمرانی آنان بر اساس عقاید و رأی مردم استوار است، حقوق شهروندی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی مردم‌سالار و دارای ایده حقوق شهروندی خاص بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی، به حقوق شهروندی صحنه گذاشته و رعایت آن را در شعائر و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران معرفی نموده است (ازدروی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰).

در همه دولت‌ها، تأمین امنیت شهروندان به عهده پلیس است و به‌عنوان - بازوی اجرایی دولت - یکی از اصلی‌ترین نهادهای عدالت کیفری، در راستای انجام وظایف و تکالیف قانونی خویش با حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان ارتباط تام دارد و شهروندان انتظار دارند که این تکالیف با تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی آنان انجام پذیرد (رضوی، ۱۳۹۵: ۱۸).

پلیس برای تضمین و رعایت حقوق شهروندان وظایفی دوگانه دارد؛ از یک سو به‌عنوان بازوی اجرایی دولت برای اجرا و تحقق نظم و امنیت جامعه، باید جز در فرضی که قانون به او اذن داده است از مداخله در حقوق شهروندان به‌نحو خودسرانه امتناع کند و از سویی دیگر موظف است در برابر نقض حقوق شهروندان به وسیله شهروندان دیگر عکس‌العمل نشان داده و حقوق و آزادی‌های اشخاص را در این خصوص مورد حمایت و تضمین قرار دهد (دهقانی، ۱۳۹۰: ۲). از این رو، در حین ایفای تکالیف و اعمال اختیار، احتمال دارد جنبه‌هایی از حقوق شهروندی را نقض و سبب زیان یا ضرر به دیگری شود و در نتیجه برای نهاد پلیس و کارکنان مسئولیت مدنی ایجاد کند.

همه ساله به سبب عملکرد مأموران یا سازمان پلیس، آثار زیانبار گوناگونی چون ضرب و جرح، بازداشت و توقیف غیرقانونی، بازرسی غیرقانونی و... ایجاد می‌شود که به اقامه دعوا علیه پلیس و کارکنان منجر می‌شود. دعاوی مدنی^۱ بیشتر متأثر از سوءاستفاده مأموران پلیس از اختیارات قانونی، ناآگاهی نسبت به حدود و ثغور تکالیف و اختیارات خود و رفتارهای سهل‌انگارانه [بی‌مبالاتی] است (روبرگ و دیگران^۲، ۲۰۱۵: ۷۴).

پرونده‌های مختلفی که در محاکم در این رابطه مطرح هستند، جنبه مدنی آن مغفول می‌شود و رویه واحد و معینی نیز وجود نداشته یا اینکه شهروندان آگاهی کامل از حقوق خویش و احقاق آن از لحاظ مدنی را ندارند؛ در محاکم ما دعاوی حقوقی علیه پلیس در ارتباط با حقوق شهروندان، علی‌الاصول در رویدادهای تیراندازی منتهی به مرگ به تبع امر کیفری انجام می‌پذیرد و در خیلی از این دعاوی سازمان پلیس و یا مأموران به پرداخت دیه و خسارت محکوم می‌شوند.

به عنوان یک قاعده باید گفت که در مسئولیت مدنی پلیس، وجود فعل زیانبار مسئول را تعیین می‌نماید. در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله کامن‌لا، اگرچه فعل زیانبار تنها مبنای مسئولیت نیست، اما یکی از مبانی مهم مسئولیت است؛ بنابراین سؤال اصلی که این مقاله مطرح می‌شود این است که فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا چیست؟ سؤالات فرعی که در جهت پاسخ به سؤال اصلی مطرح می‌شوند عبارتند از: مفهوم و ضابطه تقصیر چیست؟ اقسام تقصیر پلیس در حقوق ایران و کامن‌لا کدامند؟ در حقوق ایران و کامن‌لا تقصیرهای خاص پلیس کدامند؟

مبانی نظری

درباره مسئولیت مدنی، هم در منابع فقهی و هم در میان حقوقدانان اختلاف نظر است؛ این اختلاف نظر نه فقط در بحث عام مسئولیت مدنی، بلکه در تبیین شروط تحقق آن نیز مطرح است. یکی از این اختلاف‌نظرها فعل زیانبار^۱ است که به‌عنوان یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی، به رکن نامشروع یا غیرقانونی بودن عمل باز می‌گردد (ملک‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۱). رکن فعل زیانبار، هنگامی مسئول جبران خسارت وارده بر دیگری است که فعل یا رفتار زیانبار به او استناد داشته باشد؛ چه این رفتار به شکل مستقیم منجر به خسارت به دیگری شود و چه به‌طور غیرمستقیم دلیل تحمیل زیان بر دیگری شود (هاشمی، ۱۳۹۶: ۶۹)؛ بنابراین، فاعل فعل زیانبار هنگامی مسئول جبران زیان وارده به غیر است که عمل زیانبار منتسب به او بوده و آن عمل بدون اذن قانونی روی داده باشد و در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز به‌عبارت «بدون مجوز قانونی» اشاره شده است. بعضی بر این عقیده هستند قید خلاف قانون در فعل زیانبار، به این سبب است که چه بسا فرد به‌دلیل پیش‌بینی نکردن یا به عمد اسباب زیان را فراهم نماید، اما چون عملش منع قانونی ندارد، نمی‌توان او را مسئول تلقی کرد (افضلی حسینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳).

از دیگر اختلاف‌نظر می‌توان به «رکن تقصیر» اشاره داشت. در مقررات بعضی از کشورها، فعل زیانبار با ملاک «تقصیر^۲» سنجش می‌شود؛ از سویی در هیچ‌کدام از ضوابط و مقررات، مسئولیت بدون تقصیر برای پلیس در نظر گرفته نشده است تا به تبع آن طرح این‌گونه ملاکی ضرورت یابد؛ هر چند در حالاتی می‌توان مسئولیت سازمان پلیس را طرح و مورد تبیین قرار داد، ولی در موضوع ویژه مسئولیت مدنی پلیس، به معیار تقصیر برای فعل زیانبار مستوجب مسئولیت مدنی اکتفا خواهد شد.

1. Wrongful act

2. Fault

نظریه‌های تقصیر و رویکرد آن در نظام حقوقی ایران و کامن لا

ضرورت بحث از فعل زیانبار به معنی داشتن ظهور بیرونی اندیشه خطا کارانه، کاری غیر قابل انکار است. نظریه تقصیر که طبق آن، یکی از عناصر مسئولیت مدنی (صفتی برای فعل زیانبار) به شمار می‌آید، به‌عنوان اصل در حقوق ایران و حقوق کامن لا به رسمیت شناخته شده است. در پرتو مطالعات انجام یافته معنای تقصیر، نظریه‌های گوناگونی با توجه به ملاک‌های مختلف ارائه شده است. در خصوص مفهوم تقصیر دو نظریه وجود دارد که به دلیل ارتباط با معنای تقصیر پلیس به نحو اختصار عنوان می‌شود.

۱- تعریف شخصی و نوعی تقصیر

برابر نظریه مفهوم شخصی، تقصیر متشکل از دو رکن عینی (مادی) و رکن شخصی (معنوی) است؛ رکن عینی به مفهوم عمل مثبت یا منفی و عنصر شخصی به مفهوم قابلیت انتساب روانی است. نبود هر یک از این عناصر، مسئولیت مدنی نخواهد بود. این نظریه که در گذشته در حقوق فرانسه وجود داشت با انتقادات زیادی در مورد لزوم وجود عنصر روانی مواجه شد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

تقصیر در معنای نوعی، بی‌نیاز از وجود رکن معنوی که در نظریه اول گرفته شد، است. در حقیقت نظریه نوعی بودن تقصیر در پی انتقادات و معضلاتی که نظریه مفهوم شخصی تقصیر به دنبال داشت، شکل گرفت. بر این اساس صرف تجاوز از ملاک رفتار انسان معقول در عمل، برای تقصیر، کفایت می‌کند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

۲- رویکرد تقصیر در نظام‌های حقوقی

در بیان تقصیر، ماده ۹۵۳ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط»؛ در ماده ۹۵۱ قانون مجازات اسلامی نیز تعدی به معنای «تجاوز نمودن از حدود ... متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» آمده و تفریط نیز برابر ماده ۹۵۲ این قانون به معنای «ترک عملی که برابر ... متعارف برای حفظ مال غیر ضروری است» است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز با عنوانی مشابه با قانون مدنی، در تبصره ماده ۱۴۵ خود در مفهوم تقصیر بیان داشته: «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است؛ بی احتیاطی در بحث تقصیر صورت انجام فعل داشته و به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد مرتکب خطایی شود که فرد محتاط متعارف، مرتکب آن نمی‌شد. بی مبالاتی نیز همان تقصیر در شکل ترک فعل بوده و عبارتی از امتناع از انجام فعلی است که انجام آن به وسیله افراد متعارف، شرط احتیاط است (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

پس در هر دو قانون، ضابطه متعارف بودن برای تقصیر، محسوب شدن یک فعل یا ترک فعل مدنظر مقنن ایران است و این کار چیزی غیر از قبول معنای نوعی تقصیر نیست. این رویکرد ریشه در فقه امامیه نیز دارد به این مفهوم که در اکثر حالات فقه امامیه، معنای عرفی تقصیر توجه خاصی شده و عموم ملاک‌های موجود در فقه، ملاک‌های نوعی هستند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۵: ۶۶).

در خصوص مسئولیت مدنی پلیس به دلیل اینکه تقصیر پلیس از نوع تقصیر شغلی و حرفه‌ای به شمار می‌آید، ملاک تقصیر نسبت به افراد عادی قدری تفاوت دارد. اکثر تکالیف و وظایف پلیس به شکل معین در مقررات موضوعه عنوان شده و چنانچه در اجرای وظایف و یا ترک آن، از اصول حرفه‌ای خود تجاوز کند و خسارتی وارد شود، با جمع دیگر ارکان، مسئولیت شغلی وی مطرح شده که از اصول و قواعد خاص پیروی می‌نماید (شعاریان و جباری، ۱۳۸۹: ۱۷).

به بیانی هرگاه زیان وارده (از طرف پلیس) به دلیل تجاوز یا خودداری از انجام وظایف و تکالیف حرفه‌ای که قانون پیش‌بینی نموده است، یا مداخله موقعیت خاص شغلی او در ایجاد زیان (رفتار زیانبار)، یا خروج از رفتار حرفه‌ای یک پلیس متعارف بوده، مسئولیت شغلی موضوعیت می‌یابد (پارنت و دیگران^۱، ۲۰۰۷: ۴۰-۴۱).

با دقت در مقررات مرتبط و چگونگی آموزش نیروهای پلیس می‌توان عنوان کرد مفهوم تقصیر در خصوص نیروهای پلیس، با آنچه برای عموم متعارف است، تفاوت دارد؛ تعدی و تجاوز از آن، تقصیر محسوب می‌شود.

به عنوان مثال در خصوص ترک فعل، در روبرو شدن یک فرد عادی با یک سرقت مسلحانه از بانک، انجام ندادن اقداماتی برای جلوگیری از تحقق سرقت، برای آن فرد خارج از رفتار متعارف نیست؛ چون که عرف و قانون برخورد با آن را در حیطه افراد عادی جامعه نمی‌داند؛ ولی برای پلیس که آموزش‌های لازم را دیده است اگر اقدام مقتضی و مناسب انجام ندهد، از معیار یک پلیس متعارف خارج شده و مرتکب تقصیر شده است. ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) (تعزیرات و مجازات بازدارنده) به اهمال و مسامحه در دستگیری فردی که مأمور پلیس مکلف به دستگیری وی بوده اشاره دارد. مواد ۵۴۸ و ۵۴۹ این قانون نیز یکی از مصادیق تقصیر پلیس در حفظ و مراقبت از فرار متهم یا زندانی را عنوان می‌نماید. گرچه این مواد در صدد بیان مجازات پلیس مقصر است؛ ولی بندهای «ب» و «ج» ماده ۵۴۹ به صراحت تقصیر پلیس را که مؤثر در فرار متهم یا مجرم باشد، با شرایطی برای او مسئولیت مدنی فرض کرده است. ضمن اینکه، مسئولیت کیفری و محکومیت، به مفهوم نفی مسئولیت مدنی نیست.

در حقوق کامن‌لا تقصیر عدم موفقیت در اعمال ملاک‌های مراقبتی که یک فرد معقول محتاط در موقعیت مشابه آن را انجام می‌دهد یا از آن پرهیز می‌کند، بیان شده است. (مارتین^۱، ۲۰۱۵: ۲۷). پس خروج از ملاک انسان معقول^۲، رکن اساسی در تقصیر یک رفتار به شمار می‌آید. در این خصوص شناخت معنای وجود تکلیف مراقبت^۳ و حدود آن، برای تقصیر در یک رفتار عنصر کلیدی به شمار می‌آید.

1- Martin
2. Reasonable man
3. Duty of care

رالز، فیلسوف و نظریه‌پرداز آمریکایی متعارف و معقول بودن را از خردپذیری امری جدا می‌داند و بیان می‌دارد تقصیر در معنای نوعی معقول بودن مدنظر است نه خردپذیری. تکلیف مراقبت، همیشه محدوده یکسانی برای اعمال ندارد و اسبابی چند بر آن نتیجه دارند. پس زمانی که پلیس مستقیم با یک فعل همراه با تقصیر دلیل برقراری زیان مالی یا جانی برای اشخاص شود، به‌طور قطع تکلیف، مراقبت خواهد داشت؛ با این وجود در عمل گاه اختلافی بین مواردی که پلیس می‌تواند مسئول شناخته شود و حالتی که پلیس را به‌علت نظم عمومی نمی‌توان مسئول دانست، وجود دارد. در فعالیت‌های روزانه، پلیس باید مراقب باشد که با تقصیر خود به اشخاص زیان وارد نماید؛ اما در فعالیت‌های گسترده، علی‌الاصول وظیفه مراقبت حتی در فرض ورود زیان به اشخاص به‌دلیل بی‌احتیاطی شدید پلیس، وجود ندارد. مثلاً تکلیف و هدف اولیه پلیس، تحقیق و تعقیب و جلوگیری و ممانعت از وقوع بزه است (هورسی و راکلی^۱، ۲۰۱۹: ۱۴۷-۱۴۸). پس وجود یا عدم وجود تکلیف مراقبت، بستگی به میزان تأثیر عامل نظم عمومی در آن دارد.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با پیشینه تحقیق باید اذعان نمود که برابر بررسی به‌عمل آمده از پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و همچنین کتب و مقالات پژوهشی، در رابطه با موضوع پژوهش تاکنون فعالیت پژوهشی جامعی با رویکرد تطبیقی صورت نگرفته است و از این نظر موضوع تحقیق تازگی و دارای نوآوری است.

هاشمی، عباسلو و سوادکوهی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای به بررسی «رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی» پرداخته‌اند. در این پژوهش اشاره شده است که ضمن احراز سبب مسئول در تقسیم مسئولیت در اجتماع اسباب، باید به مسئولیت نسبی و تأثیر میزان مداخله توجه نمود و بر این مبنا اصلاح قانون باید در

1- Horsey & Rackley.

اولویت قرار گیرد و روند وضع قوانین به شیوه مادتین ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ گسترش یابد.

هاشمی (۱۳۹۶)، در مقاله خود به بررسی «مسئولیت مدنی پلیس ناشی از ارتکاب فعل زیانبار و ترک فعل (با تأکید بر مسئولیت پلیس راهور)» پرداخته است. در این پژوهش، بی توجهی پلیس راهور را در جلوگیری از ادامه کار اشخاص و سازمان‌هایی که بدون رعایت ضوابط ایمنی در راه‌ها، عملیات اجرایی می‌کنند و به سبب قصورشان منجر به وقوع تصادفات مرگبار می‌شوند- به موجب مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی- از جمله مصادیق ترک فعل و به دنبال آن مسئولیت مدنی برای پلیس راهور شناخته است. پیرهادی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مدنی پلیس راهور ناشی از نقض حقوق شهروندی» تنها به مسئولیت پلیس راهنمایی و رانندگی پرداخته و ارکان و مبانی مسئولیت مدنی را در قالب وظایف پلیس راهور به صورت کوتاه مورد مطالعه قرار داده است.

دهقانی (۱۳۹۰)، نیز در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود با عنوان «مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندان»، ضمن مطالعه مسئولیت حرفه‌ای و شغلی پلیس، به تعریف حقوق شهروندی پرداخته و برخی از وظایف پلیس را در راستای مأموریت قانونی در قبال شهروندان مورد مطالعه قرار داده است.

پرنٲ^۱ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مدنی و استفاده پلیس از زور در کانادا» به بررسی مسئولیت مدنی پلیس ناشی از بی‌توجه به ماده ۱۹۸۳ در رابطه با استفاده از زور توسط پلیس کانادا و همچنین پرونده‌های مطرح شده در این خصوص پرداخته است.

شیرکور^۲ (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مدنی پلیس ناشی از بی‌احتیاطی در تحقیقات پلیسی» ضمن تشریح مبانی مسئولیت مدنی پلیس به سبب بی‌احتیاطی

مأموران و پیدایش عنصر وظیفه مراقبت برای مأموران پلیس در کشور استرالیا پرداخته است.

لازم به ذکر است که هیچ یک از پیشینه‌های داخلی مطرح شده رویکرد تطبیقی ندارند و در منابع کامن‌لا نیز با این عنوان پژوهشی به صورت منسجم دیده نمی‌شود، برخی از مطالعات تنها ابعاد مسئولیت مدنی پلیس را مورد مطالعه قرار داده است، که در بالا به آنها اشاره شد.

روش تحقیق

از آنجا که هدف این تحقیق مطالعه تطبیقی فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا است، از این روش تحقیق، کیفی است. تحقیق کیفی مجموعه فعالیت‌هایی است که هر کدام به نحوی محقق را به کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند (دلاور، ۱۳۹۰: ۵۱).

همچنین تکنیک تحلیل داده‌ها، تکنیک تحلیل محتوای کیفی از نوع عرفی است. تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند (پارسائیان و اعرابی، ۱۳۹۰: ۲۹).

تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهش‌گران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع بر ایشان حاصل شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۱).

جامعه پژوهش به مجموعه‌ای از اشخاص، اشیاء، مکان‌ها، رویدادها و به طور کلی اموری اطلاق می‌شود که در یک یا چند صفت یا ویژگی مشترک باشند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع مکتوب مرتبط با موضوع استفاده می‌شود. حجم نمونه در

حد اشباع نظری است یعنی تا جایی ادامه می‌یابد که پاسخ سؤالات داده شود و نمونه‌گیری هدفمند است یعنی به منابعی مراجعه می‌شود که مرتبط با موضوع باشد. طبق نظر لینکلن و گوبا^۱ (۲۰۱۵) بررسی صحت و تأیید پایایی در تحقیقات کیفی شامل معیار اعتبار، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأیید‌پذیری است. بررسی مستمر بررسی از زوایای مختلف، تحلیل موارد منفی، بررسی کردن تفاسیر در مقابل داده‌های خام، تبادل نظر با کارشناسان زبده در زمینه مورد مطالعه به افزایش اعتبار کیفی کمک می‌کند. تکنیک اصلی برای برقراری قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید از طریق رسیدگی فرایندها و یافته‌های محقق است. قابلیت اطمینان به وسیله بررسی کردن ثبات فرایندهای مطالعه و قابلیت تأیید توسط سنجیدن داده‌های خام و ماحصل تحقیق یعنی داده‌ها، یافته‌ها، تفاسیر و پیشنهادها صورت می‌گیرد. در این تحقیق متن‌های مورد استفاده می‌تواند توسط هر محقق دیگری مورد بازبینی مجدد قرار بگیرد تا صحت یافته‌ها آشکار گردد. از طرفی از آنجا که این مقاله مستخرج از رساله دکتری است در فرایند کار اساتید راهنما و مشاور نظارت کامل بر اجرای تحقیق داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یافته‌های تحقیق

پس از بیان مبانی نظری و روش تحقیق، لازم است به یافته‌های تحقیق پرداخته شود. همان‌طور که در طرح مسئله هم اشاره شد، این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالاتی است که در این قسمت بدان پاسخ داده خواهد شد.

اقسام تقصیر پلیس از حیث فعل زیانبار در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا

تقصیر پلیس از جهت فعل زیانبار، از جهات مختلفی قابل تقسیم است؛ اما اینکه اقسام تقصیر پلیس کدامند سؤالی است که باید بدان پرداخته شود. تقصیر از جهات گوناگون، به تقصیر توأم با فعل مثبت و انجام فعل مانند تقصیر در استفاده از اسلحه و گاه فعل منفی و ترک فعل مانند انجام ندادن تکالیف قانونی در حفظ جان دیگری و نیز وضعیت ذهنی سبب خسارت نیز در مواردی می‌تواند مؤثر بر مسئول دانستن یا میزان زیان وارده محسوب شود مانند گزارش عمدی خلاف واقع، تقسیم‌بندی شده است.

۱- تقصیر از حیث نوع فعل

فعل، به مفهوم ایفای یک کار در عالم خارج است. به لحاظ نظری در مسئولیت‌زا بودن فعل، تردیدی نیست و دلایلی که در پذیرفته نشدن ترک فعل عنوان شده است، در خصوص فعل وجود ندارد. ماده ۹۵۱ ق.م. (تعدی) و ماده ۱ ق. مسئولیت مدنی بیانگر معنای فعل هستند. بازرسی از آپارتمان یا خودروی افراد بدون مجوز، ضرب و جرح و شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم و ... مواردی از تقصیر پلیس در قالب فعل (مثبت) هستند.

از طرفی دیگر، تفریط در ماده ۹۵۲ ق.م. به ترک عمل یا فعل اشاره دارد؛ ترک فعل به مفهوم ترک تکلیفی است که به موجب قانون یا تعهد یا وظیفه شغلی بر عهده فردی است. پس امتناع و انجام ندادن تکالیف شغلی و سازمانی که از سوی نهاد ذی‌ربط بر عهده مأمور قرار می‌گیرد، برابر قاعده تسبیب تقصیر محسوب و اگر منجر به زیان دیگری شود، مسئولیت را در پی خواهد داشت (هاشمی، ۱۳۹۶: ۶۹).

در حقوق ایران از نظر ماهیت، اختلافی میان فعل و ترک فعل وجود ندارد، چون آن گونه که یک شخص می‌تواند با انجام فعل موجب زیان، نقض حقوق یا سلب حیات شود، با ترک فعل نیز قادر است سبب زیان، نقض حقوق و حتی مرگ دیگری شود؛ پس چه اشخاصی که با ارتکاب فعل و چه با ترک فعل موجب زیان و خسارت دیگری را مهیا می‌سازند، هر دو به یک نسبت، حکم قانون را نادیده گرفته‌اند (هاشمی، ۱۳۹۶: ۶۹).

بنابراین، به‌طور مسلم ترک فعل نیز می‌تواند مانند فعل، موجب مسئولیت مدنی برای پلیس باشد. بعضی از مصادیق آن در حقوق موضوعه به شرح ذیل اشاره می‌شود.

۱- ترک وظایف قانونی و قراردادی: به صراحت ماده ۲۹۵ قانون جرائم نیروهای مسلح ترک انجام تعهدات قانونی و قراردادی در جنایات به هر شکلی که منتهی به صدمه شود (عمد یا شبه عمد یا خطای محض)، در حالت توانایی در انجام آن سبب استناد جنایت به او و مسئول دانستن او خواهد شد. حالات گوناگونی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح اشاره به ترک تکالیف قانونی دارد (مواد ۵۳، ۶۶ و ۷۸ قانون جرائم نیروهای مسلح)؛ حالاتی مانند فرار کردن و ترک منطقه‌ای که برای مبارزه با اشرار و ... به آنجا اعزام شده، ترک نجات جان افراد، کتمان حقایق و اعلام نکردن به موقع گزارش و جرائم از آن دسته هستند.

در پرونده‌ای که علیه پلیس مطرح و به وسیله شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور مورد تبیین قرار گرفت، مأمور پلیس به علت عدم واکنش در مقابل تهاجم سارقان به یک طلافروشی، حتی پس از انجام سرقت و ترک محل به وسیله سارقان مسئول شناخته شد. با توجه به اوضاع و احوال قضیه برای دیوان عالی کشور مسلم شد که مأمور باید با حفظ صحنه، حادثه را سریعاً به واحد فوریت‌های پلیسی اطلاع می‌داد و به هر شکل ممکن - حتی بدون به کارگیری سلاح - به تعقیب سارقان می‌پرداخت؛ ولی وی از انجام این امور امتناع کرده است. بنابراین ضمن نقض دادنامه صادره دادگاه نظامی یک،

رسیدگی را به شعبه دیگر ارجاع داد. آنچه در این پرونده مورد توجه است، تشخیص مسئولیت کیفری برای مأمور بدون در نظر گرفتن مسئولیت مدنی برای وی (به علت عدم اقامه دعوی زیان علیه پلیس) است. پس نادیده گرفتن و انجام ندادن فعلی که برابر قانون بر عهده مأمور پلیس است، تقصیر محسوب شده و در فرض وجود دو عنصر دیگر موجد مسئولیت مدنی برای پلیس خواهد بود (عباسلو، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

در پرونده *ثورمان علیه پلیس تورینگتون*^۱ (۱۹۸۵) مبنی بر اقدام نکردن مأموران پلیس این شهر برای بازداشت شوهرش که نسبت به او سوء رفتار داشته، اگرچه در این پرونده عناصر تشکیل دهنده بازداشت وجود نداشت و این موضوع نیز در دادگاه فدرال حل و فصل شد، ولی به زعم بعضی از نویسندگان می‌توان این پرونده را مثالی از اهمال کاری و ترک وظیفه قانونی پلیس دانست (شرمن^۲، ۱۹۹۲).

۲- ترک تکالیف عرفی: در این که ترک وظایف عرفی نیز تقصیر محسوب شده یا این که تقصیر فقط محدود به وظایف قانونی و قراردادی است، محققان نظرات گوناگون ارائه کرده‌اند. اهمیت این بحث از این جهت است که اگر قبول کنیم ترک تکالیف عرفی نیز تقصیر به شمار می‌آید، می‌توان عنوان کرد شناخت مسئولیت پلیس به دلیل ترک فعل، برابر قاعده خواهد بود نه استثنایی بر آن. به نظر استاد برجسته حقوق ایران، علتی بر عدم قبول تقصیر برای عدم انجام کاری که افراد متعارف در آن شرایط صورت می‌دهد، وجود ندارد؛ ضمن اینکه نمی‌توان با این استدلال که چون ترک کننده فعل مسئولیت کیفری در این خصوص ندارد، مسئولیت مدنی هم نیست و در نتیجه او را از مسئولیت مبرا بدانیم و ترک فعلش را تقصیر تلقی نکنیم (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۳۸۱).

در نظام حقوق کامن‌لا، یکی از مسائل مربوط به ترک فعل بحث ترک فعل به طور عام است. این موضوع، در بعضی موارد از جمله در حوزه مسئولیت مدنی پلیس تخصیص خورده است. در نظام حقوقی کامن‌لا یک تکلیف عمومی و کلی در خصوص ترک

1. *Thurman v. City of Torrington*

2. *Sherman*

فعل وجود ندارد؛ به عبارتی مسئولیت متأثر از ترک فعل قاعده نیست و اصل، عدم مسئولیت ناشی از ترک فعل است (هارپود^۱، ۲۰۱۷: ۱۱۰).

هنگامی فردی شروع به نجات دیگری می‌کند، این تکلیف به او تحمیل شده و متعهد است که وضعیت آن فرد را بدتر از آنچه اکنون در آن قرار دارد، نسازد؛ در عین حال تکلیف بهبود او را ندارد. در توجیه این رویکرد حقوقی که این‌گونه ترک فعل، مسئولیت‌آور نیست، می‌توان چند علت عنوان کرد نخست اینکه بیشتر اشخاص زمان روبرو شدن با فردی که در خطر است این دغدغه را دارند که اگر به کمک وی بروند و نتوانند او را نجات دهند، مسئول محسوب می‌شوند (بندیت^۲، ۱۹۸۲: ۳۹۲).

دوم این که اثبات وجود تکلیف مراقبت به‌خصوص در حالتی که زیان مطالبه شده به‌علت عدم اعمال تکلیف عمومی به وسیله پلیس وارد شده، مشکل است (کونکه^۳، ۲۰۰۷: ۱۷۶).

بعضی حقوقدانان بر این عقیده هستند برابر اصول کلی مسئولیت مدنی، پلیس مسئول زبانی است که دلیل ورود آن باشد و ترک نجات دیگری نیز از این دست است. در این نظر ترک نجات دیگری بر اساس قاعده تسبیب توجیه می‌یابد؛ به بیانی صرف ترک فعل پلیس در این حالات، تقصیر و قابل سرزنش است و از این رو دلیل برقراری زیان می‌شود. در مقام نقد این نظر، بعضی از حقوقدانان بر این نظر هستند که فرد زیان‌دیده را در وضعیت خطرناک قرار نداده و خطر اولیه را او ایجاد نکرده است بلکه تنها از نجات فردی که در وضعیت خطرناک قرار گرفته امتناع نموده و نمی‌توان قائل بود که او دلیل خسارت آن فرد است (بندیت، ۱۹۸۲: ۳۹۶).

1. Harpwood
2. Benditt
3. Kunnecke

افزون بر آن صحیح است که اگر آن فرد نجات را ترک نمی‌کرد، دیگری صدمه نمی‌دید؛ اما نمی‌توان لزوماً بر این نظر بود که ترک فعل او سبب ورود خسارت به زیان دیده است. (بندیت، ۱۹۸۲: ۴۰۰).

۲- تقصیر از حیث عنصر روانی فعل زیانبار

با توجه به معنای نوعی تقصیر که در هر دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا وجود دارد، وضعیت ذهنی^۱ عامل زیان نمی‌تواند اثری بر مسئول تلقی شدن شخص داشته باشد. ولی عمدی یا غیرعمدی بودن، بر دیگر عناصر مسئولیت پلیس تأثیر دارد. در نظام حقوقی کامن‌لا، گاهی مضاف بر اثبات فعل زیانبار، لازم است که وضعیت و شرایط ذهنی مشخصی در طرف مرتکب هنگام ارتکاب نیز اثبات شود. این وضعیت می‌تواند داشتن قصد، بی‌احتیاطی یا سوءنیت باشد. بسیاری از موارد مسئولیت مدنی نیازمند برخی عناصر خطا هستند و تعداد کمی فارغ از این عناصر هستند (الیوت و کوین^۲، ۲۰۱۴: ۴). برای نمونه تعقیب همراه با سوءنیت از جمله مواردی است که موجب مسئولیت مدنی پلیس می‌شود چنانچه مأموری بدون دلیل معقول و همراه با سوءنیت اقدام به تعقیب شخصی نماید. از دیدگاه حقوقدان انگلیسی آنچه می‌تواند هدف قصد پلیس قرار گیرد ممکن است مال یا سلامتی و جان افراد باشد (استیل^۳، ۲۰۱۷: ۲۸).

برخی دیگر نیز معیار تشخیص را توجه به میزان احتمال ورود خسارت می‌دانند؛ برای مثال دادگاه با ملاحظه رفتار پلیس، در صورت بالا بودن احتمال ورود ضرر، آن را تقصیر فاحش قلمداد کرده و در صورتی که این احتمال بسیار بالا باشد آن را عامدانه تلقی می‌کند؛ بنابراین تفاوت میان تقصیر و قصد نوعی خارج از این درجات نیست. این نزدیکی را بیشتر با توجه با این مفهوم می‌توان دریافت که قصد و عمد بیشتر بر آگاهی و علم پلیس تأکید دارد تا اختیار و اراده او (کدرچ^۴، ۲۰۰۹: ۲۷۷).

-
1. Subjective
 2. Elliott & Quinn
 3. Steele
 4. Coderch

طبق نظرات جدید در بحث مقامات دولتی همچون پلیس، بی احتیاطی کافی نیست، بلکه به جای آن، دخالت عامدانه بدون داشتن صلاحیت لازم برای تحقق مسئولیت ضروری است حتی اگر رفتار مأمور دولتی همراه با بی احتیاطی و بی مبالاتی هم نباشد. چنانکه بیان شد رویه قضایی گاهی در این خصوص مسئولیت دولت را محدود می کند؛ زیرا گاهی دولت دلایلی برای دخالت توأم با عمد دارد و در این امر ارزش هایی خیلی بیشتر و مهم تر از اشخاص خصوصی وجود دارد و دخالت غیرقانونی نمی تواند همواره و در همه موارد مورد منع واقع شود. بر این اساس از حیث عنصر معنوی و درجه تقصیر در رابطه با مسئولیت حرفه ای و شغلی می توان به چند نوع تقصیر اشاره داشت:

- تقصیر عمدی^۱: این نوع تقصیر که عنصر سوءنیت در آن نقش دارد، حالت روانی مقصرانه^۲ مأموری است که رفتارها و اقدامات وی هدفمند و به منظور ایراد خسارت یا صدمه انجام گرفته باشد (روبرگ و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۷۵). برخی از اقداماتی که سوءنیت در آن نقش داشته و در میان مأموران پلیس رایج و موجب مسئولیت مدنی پلیس است، عبارتند از استفاده بیش از حد از زور، قتل ناشی از بی احتیاطی^۴ و تیراندازی، تهدید به ضرب^۵ و بازداشت غیرقانونی^۶؛ همچنین در هتک حرمت وجود این عنصر می تواند برخی دفاعیات را از اعتبار ساقط کند؛ در مزاحمت نیز سوءنیت می تواند بر عنصر معقول بودن اثر گذاشته و عمل معقول را تبدیل به غیرمعقول کند و بالاخره می تواند بر محاسبه خسارت نیز اثر گذاشته و آن را نسبت به وقتی که همان عمل بدون سوءنیت صورت گرفته باشد، شدت ببخشد (الیوت و کوین^۷، ۲۰۱۴: ۴). از این رو، تأثیر سوءنیت و عمد بر مصونیت ها و علل موجهه تقصیر غیرقابل انکار بوده و

1. Intentional Fault
2. Culpable state of mind
- 3- Roberg et al
4. Wrongful death
5. Assault
6. False arrest
7. Elliott & Quinn

می‌تواند برای سازمان پلیس یا مأمورش که با سوءنیت و قصد اضرار به غیر - ولو به نام نظم عمومی - به دیگری خسارت وارد نموده است، مسئولیت آورد.

- تقصیر غیر عمدی: در حالی که تقصیر عمدی بر حالات روانی و ذهنی فرد تمرکز دارد، لازمه این نوع تقصیر تنها رفتار سهوی و غیر معقولی است که منجر به خسارت یا صدمه [بدنی و روحی] می‌شود. این تقصیر به صورت عمدۀ نتیجه بی احتیاطی است؛ بی احتیاطی، صدمه‌ای است که ناشی از نقض وظیفه مراقبت بوده، به نحوی که عناصر تشکیل دهنده آن نتیجه فعل یا ترک فعل^۱ مأمور پلیس است، از این رو به خاطر ایجاد یک خطر غیر معقول، مسئولیت ایجاد می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، به صراحت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در ورود لطمه، عمد یا بی احتیاطی تأثیری در مسئول دانستن یا ندانستن مرتکب آن ندارد. در نتیجه از نظر ترتب مسئولیت بر شخص مقصر تفاوتی میان تقصیر عمدی و غیر عمدی وجود ندارد و پلیس مقصر در هر صورت باید خسارات ناشی از تقصیر خود را جبران کند. از سویی دیگر می‌توان آنچه در ماده ۴ این قانون غفلت قابل اغماض از دید عرف است را معادل تقصیر بسیار سبک دانست؛ به این معنا که مأمور پلیس با درجه احتیاط بسیار بالا مرتکب آن نمی‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

ماده ۴۱ قانون جرائم نیروهای مسلح نیز وجود عمد در تیراندازی بدون رعایت مقررات قانونی را حسب مورد منجر به محکومیت پلیس به مجازات قصاص یا پرداخت دیه می‌داند. به عقیده برخی حقوقدانان تفاوت عمدۀ میان تقصیر عمدی و سایر انواع تقصیر معیار احراز آن است؛ به این نحو که در تقصیر عمدی معیار شخصی به دلیل ارتباط میان عمد و اراده درونی مرتکب و در سایر موارد معیار نوعی خروج از رفتار انسان متعارف قابل اعمال است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

در مجموع می‌توان گفت تفاوت چندان مهمی میان دو نظام حقوقی از حیث مسئولیت مبنی بر تقصیر عمدی و غیرعمدی پلیس به چشم نمی‌خورد و این نشان می‌دهد که مبانی مشترک پشت چنین حکمی است.

تقصیرهای خاص پلیس در حقوق ایران و کامن‌لا

پس از بیان جایگاه تقصیر در فعل زیانبار، این سؤال مطرح می‌شود که در حقوق کامن‌لا و ایران، تقصیرهای خاص پلیس کدامند؟ همان‌طور که مشخص است مسئولیت مدنی پلیس متفاوت با اشخاص عادی جامعه است؛ نقض وظیفه قانونی و سوءاستفاده از اختیارات قانونی که هر کدام مصادیق زیادی را در بردارند از جمله صورت‌های مهم این مسئولیت خاص را تشکیل می‌دهند که در زیر بدان پرداخته می‌شود.

۱- نقض وظیفه قانونی از سوی پلیس

اینکه نقض وظیفه‌ای که به حکم قانون برای پلیس در نظر گرفته شده، می‌تواند موجب مسئولیت مدنی پلیس شود امری منطقی است؛ فارغ از اینکه آیا مسئولیت کیفری نیز وجود دارد یا خیر، مسئولیت مدنی به‌عنوان ضمانت اجرای عدم این وظایف، بر پلیس تحمیل می‌شود. اینکه نقض به چه نحو صورت می‌گیرد و اینکه آیا صرف نقض وظیفه برای دعوی اقامه خسارت کافی خواهد بود یا خیر، شایسته بحث است.

در نظام حقوقی ایران، همان‌گونه که بیان شد وظایف قانونی پلیس در قوانین مختلفی ذکر شده است. در بسیاری از این قوانین که اغلب واجد عناوین کیفری هستند، صریح به وجود مسئولیت کیفری و حتی میزان و نرخ مجازات آن‌ها اشاره شده است. حتی اگر نقض وظیفه‌ای که قانون به‌طور کلی برای همه افراد در نظر گرفته، توسط پلیس صورت پذیرد، مجازات شدیدتری نسبت به سایر برای او در نظر گرفته شده است.

وجود مسئولیت مدنی به سبب ارتکاب جرم را می‌توان از مواد ۲ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دریافت؛ در این مواد مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم تحت عنوان دعوی خصوصی قابل طرح است. از قابلیت طرح چنین دعوی می‌توان وجود مسئولیت مدنی مرتکب را استنباط نمود. همچنین منعی برای پذیرش این

مسئولیت حتی در مواردی که تقصیر و عمد شرط تحقق مسئولیت مدنی نیست - موارد مسئولیت بدون تقصیر - وجود ندارد و قواعد عام مسئولیت مدنی آن را در برمی‌گیرد (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲۹۳).

ماده ۱۳۲ قانون جرائم نیروهای مسلح نیز جبران خسارات وارده در اثر ارتکاب جرائم موضوع این قانون را به رسمیت شناخته است. این ماده که به تعبیری از ابتکارات قانون مزبور در راستای حمایت از قربانیان است، مقرر می‌دارد: در کلیه مواردی که در اثر ارتکاب جرم خسارتی وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به جبران خسارت وارده و حسب مورد به رد عین یا مال یا پرداخت مثل یا قیمت و اجرت‌المثل نیز محکوم می‌گردد. از این‌رو راه برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرائم ارتكابی توسط نیروهای پلیس هموار است.

در نظام حقوقی کامن‌لا، عنصر لازم برای امکان مطالبه خسارت به موجب نقض وظیفه قانونی را می‌توان به وجود وظیفه قانونی و تحقق نقض آن وظیفه اشاره داشت. نقض وظیفه^۱ کوتاهی و قصور^۲ در انجام وظیفه موضوعی بسیار پیچیده است. اثبات این امر بر اساس ضابطه شخصی صورت می‌پذیرد؛ یعنی یک انسان متعارف و معقول به این باور رسیده باشد که مأمور وظیفه خود را در قبال خواهان (زیان‌دیده) انجام نداده است. به منظور تصمیم‌گیری در مورد تحقق نقض وظیفه، دادگاه باید به روشنی تصمیم بگیرد که قانون چه وظایفی را مقرر داشته و اینکه آیا مورد شکایت با آن مطابقت دارد یا خیر. همچنین دادگاه باید به معیاری که برای نقض وظیفه تلقی شدن رفتار پلیس لازم است، توجه نماید. البته با توجه به قواعد اندک برای یافتن معیار اصلی تصویب قوانین، کشف نظر قانون‌گذار به سادگی میسر نیست (هارپوود^۳، ۲۰۱۷: ۱۷۱).

-
1. Breach of duty
 2. failure
 3. Harpwood

برخی قوانین و وظایف را به نحو مختص بر پلیس تحمیل می کنند به این معنی که خواننده حتی اگر نتواند از صدمه جلوگیری کند، باز هم مرتکب نقض وظیفه شده است. با این حال اکثر قوانین و وظایف را بر مبنای متعارف بودن و شرایط لازم برای تقصیر تلقی شدن، بر مقامات عمومی تحمیل می کنند. در واقع در این پرونده‌ها، دادگاه همان معیارهای موجود در موارد تقصیر را به کار می برد.

در میان قوانین وضع شده آنچه در حیطه مسئولیت مدنی پلیس مورد بحث است، پیامد انجام ندادن این تکالیف عدم انجام صحیح آن‌ها است؛ به عبارت دیگر آیا صرف نقض وظیفه قانونی می تواند موجب اقامه دعوی مسئولیت مدنی توسط متأثرین از نقض وظیفه شود؟

در پاسخ باید گفت برخی قوانین صریحاً ناتوانایی در انجام وظیفه مشخص قانونی که سبب حق اقامه دعوی خسارت برای زیان دیده می شود، یا عدم امکان اقامه چنین دعوایی را مشخص کرده اند؛ بحث اصلی بر سر آن دسته از قوانین است که سکوت اختیار شده و تشخیص وجود حق اقامه دعوی خسارت را به دادگاه‌ها واگذار کرده اند. قاعده کلی بیان می دارد نقض وظیفه قانونی موجب ایجاد حق برای اقامه دعوی مسئولیت مدنی نمی شود؛ مگر آنکه قانون مربوطه به نحو روشن و صریح بر قصد ایجاد این حق دلالت نماید. در نتیجه باید گفت امکان مطالبه خسارت ناشی از نقض وظیفه قانونی در حقوق کامن‌لا، وجود حق اقامه دعوی خسارت در قانون و نقض وظیفه قانونی به تشخیص دادگاه، ضرورت دارد. برعکس در حقوق ایران ضرورت پیش‌بینی حق اقامه دعوا علیه پلیس در قانون مدنظر نیست؛ حق اقامه دعوی خسارت ناشی از جرم به طور عام در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ذکر شده است. همچنین قواعد مندرج در قانون مدنی در اتلاف صرف نظر از وجود یا عدم وجود تقصیر، مسئولیت مدنی را بر افراد از جمله پلیس بار می نماید.

۲- سوءاستفاده از اختیار قانونی

لازمه تحمیل وظایف بر پلیس طبق قانون، اعطای اختیاراتی به او می‌باشد که با استفاده از آن بتواند وظایف خود را به‌نحو احسن انجام دهد؛ اما گاه به دلایل مختلفی از حدود این اختیارات فراتر رفته یا مرتکب فعلی می‌شود که طبق قانون از آن نهی شده است. در واقع می‌توان سوءاستفاده از اختیار قانونی را خاص‌ترین نوع مسئولیت پلیس نامید، زیرا چنان‌که در قسمت اول گفته شد، با هیچ‌گونه معیاری امکان ارتکاب آن توسط اشخاص عادی در جامعه وجود ندارد.

در حقوق ایران، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۵۸۱ ذیل فصل مربوط به تقصیرات مقامات و مأموران دولتی، به صراحت به سوءاستفاده از مقام توسط آن‌ها پرداخته و برای آن مجازات در نظر گرفته است. یکی از مصادیق این سوءاستفاده را می‌توان در ادامه ماده مشاهده کرد که عبارت است از جلوگیری از اجرای اوامر دولتی و قوانین مملکتی.

فراتر رفتن از اختیارات قانونی توسط مأموران پلیس در مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ این قانون نیز مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته است. در این دو ماده نیز به گرفتن اقرار با اجبار و شکنجه و شدت دادن به مجازات حین اجرا توسط مأموران بیش از آنچه در حکم آمده، اشاره شده است. در پرتو ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت نیز، می‌توان این سوءاستفاده از اختیارات را به‌عنوان تقصیر حرفه‌ای پلیس تلقی کرده و او را مسئول شناخت. توجه به این امر خالی از لطف نخواهد بود که در این دسته از تقصیرها به‌طور عمده ضرر وارده توسط مأمور تنها به‌صورت ورود ضرر مالی به اشخاص عادی نبوده و همان‌طور که در اقسام ضرر بیان شد، در این موارد می‌توان قائل به ورود ضرر معنوی از حیث کسر حیثیت به سازمان پلیس توسط مأمور نیز بود. چرا که پلیس هر ساله بودجه‌ای را صرف کسب اعتماد افکار عمومی می‌نماید و انجام چنین تخلفاتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر موفقیت نشدن طرح‌های سازمانی پلیس برای کسب اعتماد عمومی بگذارد. از طرفی محکومیت

مأموران خاطی به برگرداندن مبلغ دریافتی، امری بدیهی است که در قانون مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته و رویه قضایی نیز به آن جامه عمل پوشانده است؛ اما نکته‌ای که به چشم می‌خورد، در نظر نگرفتن خسارت در قبال سلب غیرقانونی آزادی شاکی در قالب بازداشت غیرقانونی است. چنانچه بیان شد آزادی اشخاص حقیقی است که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده و به تصریح قانون مسئولیت مدنی لطمه به آن موجب مسئولیت مرتکب خواهد شد (طاهری، ۱۳۹۶: ۳۹).

در واقع همان‌طور که بیان شد نظام حقوقی ایران برخلاف نظام حقوقی کامن‌لا که برای قابل مطالبه بودن خسارت وارده توسط مقامات عمومی، نیازمند ذکر حق مطالبه خسارت از مقامات عمومی در قوانین است، اساساً با عنایت به قواعد عمومی که در قوانین نیز ذکر شده است، نیازمند چنین تصریحی در کلیه قوانین به‌نحو خاص نیست. بر این اساس در مواردی که قابل جبران بودن برخی خسارات در قوانین مورد تقنین مجدد از سوی قانون‌گذار قرار گرفته است، چیزی جز تکرار قواعد و در برخی موارد روشن‌تر کردن مصادیق خسارات قابل مطالبه، نیست که البته ممکن است در مواردی منتج به ایجاد شبهاتی در تفسیر نیز شود.

در نظام حقوقی کامن‌لا، تفاوت سوءاستفاده از اختیار قانونی انجام کاری مشروع به شکل غیرقانونی و انجام ندادن وظیفه قانونی به عقیده برخی حقوقدانان در حالی که در عدم انجام وظیفه قانونی به‌عنوان یکی از زیر شاخه‌های نقض وظیفه قانونی پلیس فعلی انجام نمی‌دهد و با ترک فعل مرتکب نقض وظیفه می‌شود، در سوءاستفاده از اختیار قانونی وی مرتکب فعل می‌شود ولی به‌طور نامناسب، چه از طریق انجام امری باشد که از انجام آن نهی شده و چه انجام امری باشد که او اجازه انجام آن را دارد ولی در انجام آن مرتکب تقصیر می‌شود (بندیت، ۱۹۸۲: ۴۰۱).

حقوقدانان نظام کامن‌لا برای مدت طولانی سوءاستفاده از اختیارات قانونی توسط مأمورین دولتی را نادیده گرفته بودند. تا اینکه در سال ۱۹۸۲ هیئت مشاوران سلطنتی

انگلیس آن را مجدد مورد توجه قرار دادند. سوءاستفاده از اختیارات قانونی مستلزم ورود خسارت در جریان سوءاستفاده از قدرت و اختیار همراه با سوءنیت است. برای مدت طولانی چنین تصور می‌شد که سوءنیت در ردیف خسارت غیرقانونی توأم با قصد و عمد است؛ اما اخیراً با عنایت به تغییرات رخ داده در رویه قضایی، مجلس اعیان چنین تصمیم گرفت که برای اطلاق سوءنیت کافی است که مأمور دولت در خصوص غیرقانونی بودن عمل و همچنین احتمال وقوع خسارت در نتیجه این عمل، مرتکب بی‌احتیاطی شده باشد. با این حال اثبات عناصر خطا در بی‌احتیاطی با دشواری همراه است و از این حیث برای زیان‌دیده محدودیت ایجاد می‌کند (بندیت، ۱۹۸۲: ۷۸).

از جمله موارد سوءاستفاده از اختیارات قانونی را می‌توان در پرونده *ماکانجوآلا* علیه اداره پلیس لندن^۱ مشاهده کرد؛ که طبق آن مأمور به‌عنوان بازدید از مکانی که مهاجران در آن زندگی می‌کردند، وارد محل شده و اقدام به برقراری رابطه نامشروع با یکی از آن‌ها کرده است. همچنین در پرونده مشابه که علیه ریاست پلیس مرسی ساید مطرح شد^۲، پلیس با سوءاستفاده از موقعیت خود با برقراری رابطه نامشروع، به خواهان پرونده خسارت وارد نمود. تعقیب توأم با سوءنیت نیز از جمله مواردی است که می‌تواند به‌عنوان سوءاستفاده از اختیارات قانونی توسط پلیس محسوب شود (هارپوود، ۲۰۱۷: ۴۰۲). توجه به این امر لازم است که نبود دلیل معقول و محتمل و وجود سوءنیت در تعقیب اشخاص توسط پلیس، دو عنصر لازم برای تحقق مسئولیت مدنی پلیس در این مورد هستند (استیل، ۲۰۱۷: ۱۰۰).

با وجود این که در حقوق ایران بحث از سوءاستفاده از اختیارات قانونی در قوانین جزایی ذکر شده و منوط به تحقق عنصر سوءنیت و قصد است، اما نمی‌توان موارد سوءاستفاده از اختیارات قانونی که توأم با بی‌احتیاطی صورت می‌گیرد را از این عنوان خارج ساخت؛ به‌عبارت دیگر تغییر گستره سوءاستفاده از اختیارات قانونی از عمد به

1- *Makanjuola v Commissioner of Police for the Metropolis*

2- *Chief Constable of Merseyside Police*

بی احتیاطی که در حقوق کامن لا صورت گرفته است، بیشتر با هدف حقوق مسئولیت مدنی (لزوم جبران خسارت صرف نظر از وجود یا عدم وجود سوء نیت) مطابقت دارد. از طرفی نیز وظایف و اختیارات قانونی پلیس تنها محدود به مواردی که در باب سوء استفاده از اختیارات قانونی در قوانین جزایی ذکر شده، نیست و از وسعت و تنوع بیشتری برخوردار است و تفسیر محدود از قابل مطالبه بودن خسارت ناشی از سوء استفاده از اختیارات قانونی به موارد مذکور در قوانین جزایی، مضاف بر عدم حمایت لازم از زیان دیده در موارد بی احتیاطی پلیس، می تواند موجبی برای عدم به کارگیری دقت لازم توسط پلیس در استفاده از اختیارات قانونی خود شود؛ امری که توالی فاسد آن بر هیچ کس پوشیده نیست.

جدول ۱- یافته های تحقیق

موضوع	حقوق ایران	حقوق کامن لا
سیر از نوع	از نظر ماهیت، اختلافی میان فعل و ترک فعل وجود نداشته؛ چون آن گونه که یک شخص می تواند با انجام فعل موجب زیان، نقض حقوق یا سلب حیات شود، با ترک فعل نیز قادر است سبب زیان، نقض حقوق و حتی مرگ دیگری شود.	یکی از مسائل مربوط به ترک فعل بحث ترک فعل به طور عام است. در بعضی موارد-از جمله در حوزه مسئولیت مدنی پلیس- تخصیص خورده است.
سیر از بیثباتی صریحی فعل زیانبار	به صراحت ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در ورود لطمه، عمد یا بی احتیاطی تأثیری در مسئول دانستن مرتکب آن ندارد. در نتیجه از نظر ترتب مسئولیت بر شخص مقصر تفاوتی میان تقصیر عمدی و غیر عمدی وجود ندارد و پلیس مقصر در هر صورت باید خسارات ناشی از تقصیر خود را جبران کند.	گاهی مضاف بر اثبات فعل زیانبار، لازم است که وضعیت و شرایط ذهنی مشخصی در طرف مرتکب هنگام ارتکاب نیز اثبات شود. این وضعیت می تواند داشتن قصد، بی احتیاطی یا سوء نیت باشد. بسیاری از موارد مسئولیت مدنی نیازمند برخی عناصر خطا هستند و تعداد کمی فارغ از این عناصر هستند.
تقصیر سبب مسئولیت از پلیس	نقض وظیفه قانونی از سوی پلیس موجب مسئولیت مدنی است. در بسیاری این قوانین که اغلب واجد عناوین کیفری هستند، صریح به وجود مسئولیت کیفری و حتی میزان و نرخ مجازات آن ها اشاره شده است.	عنصر لازم برای امکان مطالبه خسارت به موجب نقض وظیفه قانونی را می توان به وجود وظیفه قانونی و تحقق نقض آن وظیفه اشاره داشت.

<p>سوءاستفاده از اختیارات قانونی مستلزم ورود خسارت در جریان سوءاستفاده از قدرت و اختیار همراه با سوءنیت است و کافی است که مأمور عمومی در خصوص غیرقانونی بودن عمل و همچنین احتمال وقوع خسارت در نتیجه این عمل، مرتکب بی احتیاطی شده باشد.</p>	<p>فراتر رفتن از اختیارات قانونی توسط مأموران پلیس در مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته است. در این دو ماده نیز به اخذ اقرار با اجبار و شکنجه و شدت دادن به مجازات حین اجرا توسط مأموران بیش از آنچه در حکم آمده، اشاره شده است.</p>	<p>استفاده اختیار نی</p>
--	---	----------------------------------

بحث و نتیجه‌گیری

حفظ حرمت و حیثیت شهروندان، برخورد و رفتار خوب با شهروندان، پاسخ‌گو بودن پلیس به شهروندان، امانت‌داری پلیس نسبت به اظهارات شاکه، متهم و گواه، رعایت حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرائم، استانداردسازی رفتار پلیس، حفظ حریم خصوصی و عمومی شهروندان، پرهیز از خشونت رفتاری برخورد با شهروندان از جمله وظایفی هستند که مطابق قانون اساسی، قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده واحده قانونی احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و سایر قوانین مرتبط، بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است و لازم است مأموران پلیس در انجام تکالیف قانونی این حقوق را رعایت کنند. البته در این رابطه تکالیف دوگانه‌ای در برابر تضمین و رعایت حقوق شهروندی بر آنان متصور است. از یک طرف موظفانند جزء در مواردی که مجوز قانونی وجود دارد از دخالت در حقوق شهروندان، به‌طور خودسرانه خودداری کنند و از سوی دیگر وظیفه دارند در مقابل نقض حقوق هر شهروند توسط دیگر شهروندان عکس‌العمل مناسبی نشان دهند و حقوق و آزادی‌های افراد را در این زمینه مورد حمایت قرار دهند؛ به‌عبارت دیگر نیروهای پلیس تنها تعهدات سلبی نسبت به عدم مداخله شهروندی افراد را ندارند.

همچنین، وجود فعل زیانبار از سوی پلیس سبب شده شهروندان دست به طرح دعوا علیه پلیس بزنند. در بسیاری از موارد دادگاه‌ها نیز در تلاش هستند میان حقوق شهروندان

از یک سو و منافع دولت از سوی دیگر توازنی برقرار کنند و عدالت را جاری سازند. پلیس، ممکن است در اجرای مأموریت‌های خود از طریق انجام فعل گاهی توأم با خطا و گاهی بدون خطا موجب خساراتی به اشخاص اعم از متهمان، مجرمان و یا اشخاص بی‌گناه شود.

در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان از جمله کامن‌لا، فعل زیانبار از ارکان مسئولیت مدنی پلیس است. هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه در این پژوهش، در غالب موارد ورود خسارت، صرف نظر از نحوه عمل، تقصیر را به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی پلیس پذیرفته‌اند. در نظام حقوقی کامن‌لا مسئولیت ناشی از قصد و عمد و بی‌احتیاطی مبتنی بر تقصیر است. در مواردی هم در این نظام حقوقی مسئولیت مطلق (بدون تقصیر) پذیرفته شده است. در حقوق موضوعه ایران نیز حسب ماده یک قانون مسئولیت مدنی مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. وجود تقصیر برای مسئول بودن خوانده، کافی نیست بلکه رابطه سببیت بین فعل زیانبار و زیان‌های وارده نیز باید مشخص شود.

پیشنهادهای

- اصل بر رعایت حقوق شهروندی شهروندان است اما در برخی از جرایم، نقض حقوق شهروندی امری اجتناب‌ناپذیر است، اما مهم این است که پلیس در چارچوب حقوق شهروندی گام برداشته و به سوی آن حرکت کند.
- سزاوار است قانون‌گذار مبنای مسئولیت مدنی را تعیین نماید و به‌نظر می‌رسد، بهترین روش، استواری مسئولیت بر مبنای تقصیر نوعی باشد.
- با توجه به متعدد بودن وظایف نیروی انتظامی و لزوم فوریت در انجام سریع مأموریت‌های محوله به‌دلیل حساسیت و خاص بودن شرایط حاکم، دولت عهده‌دار جبران خسارت‌های احتمالی باشد که مأموران در حین انجام وظیفه با خیال و خاطره آسوده به انجام وظیفه بپردازند و استرس و نگرانی از بابت خسارات

احتمالی وجود نداشته باشند تا بتوانند در انجام وظایف قانونی و محوله به بهترین نحوه اقدام نمایند.

تقدیر و سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از زحمات تمامی افرادی که در این تحقیق نویسنندگان را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- اصلانی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). مفهوم و جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی. فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۵(۶-۷): ۵۱-۹۴. قابل بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/189083>
- افضل‌حسینی، عهدیه السادات؛ امیرمحمدی، محمدرضا؛ احمد پور، ایوب. (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مواد خوراکی معیوب در حقوق ایران. مجله حقوق خصوصی، ۱۱(۱): ۱-۲۱. قابل بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/335458>
- اژدری، ایوب؛ اسدی کشکولی، اسد؛ بیرجندی، فاطمه. (۱۳۹۸). بایدها و نبایدهای رفتار پلیس در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران. ماهنامه آفاق علوم انسانی، ۱(۲۷): ۱۹-۳۶. قابل بازیابی از <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1497397>
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمود رضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳(۲): ۴۴-۱۵. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/306236>
- دلاور، علی. (۱۳۹۰). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. چاپ نهم، تهران: انتشارات رشد.
- دهقانی، محمد. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.

- رضوی، محمد. (۱۳۹۱). پلیس و استانداردهای حقوق شهروندی. چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- شعاریان، ابراهیم؛ جباری، منصور. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی پلیس. چاپ اول، تبریز: نشر فروزش.
- صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی. ویراست سوم. تهران: سمت.
- طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۹۶). حقوق مدنی. جلد دوم و چهارم، قم: دفتر نشر اسلامی.
- عباسلو، بختیار. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی: با نگرش تطبیقی. چاپ سوم، تهران: میزان.
- قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۹۵). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۸). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). ادله اثبات دعوی. چاپ پنجم، تهران: میزان.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۸). محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ هفتم، تهران: مجد.
- مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی. ترجمه: پارسائیان، علی و اعرابی، سید محمد. چاپ چهارم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ملک زاده، سلیمان. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، تهران، دانشکده علوم سیاسی و حقوق، دانشگاه تهران.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی پلیس ناشی از ارتکاب فعل زیانبار و ترک فعل (با تأکید بر پلیس راهور). فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۹(۱): ۶۷-۱۰۱. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/370001>
- هاشمی، سیدمحمد؛ عباسلو، بختیار و سوادکوهی، سام. (۱۳۹۸). رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۱(۴): ۲۴۰-۲۱۱. قابل بازیابی از:

http://pok.jrl.police.ir/article_94731.html

- Benditt, Theodore M. (1982). Liability for Failing to Rescue. Law and Philosophy, Vol.1,391-418, At Retrieved: <https://doi.org/10.1007/BF00231222>.

- Coderch, Pablo Salvador; Nuno, Garoupa & Carlos Gómez-Ligüerre. (2009). Scope of Liability: The Vanishing Distinction between Negligence and Strict Liability. *Texas A & M Law Scholarship*, 28(3), 257-287 At Retrieved: <https://scholarship.law.tamu.edu/facscholar/642>.
- Elliott, Catherine & Quinn, Frances. (2014). *Criminal Law*. 10thed, Pearson, UK.
- Harpwood, Vivienne. (2017). *Principles of Tort Law*. Revised, Cavendish Publishing, London.
- Horsey, Kirsty & Rackley, Erika. (2019). *Tort Law*. 6th Edition, Oxford Press, London.
- Kunnecke, Martina. (2017). *Tradition and Change in Administrative Law*. Springer, UK.
- Lincoln, Y.S. & Guba, E. G. (2015). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications Inc, US.
- Martin, Elizabeth A. (2015). *A Dictionary of Law*. 5thed, Oxford University Press, UK.
- Parent, Rick & Verdun-Jones, Simon. (2017). *Civil Liability and the Police Use of Force in Canada*. Law Enforcement Executive Forum, Macomb, Western Illinois University. At Retrieved: <https://jibc.arcabc.ca//datastream/PDF>
- Roberg, R.; Novak, K.; Cordner, G. & Smith, B. (2015). *Police & Society*. 6thed, Oxford University Press, UK.
- Shircore, Mandy. (2010). *Police Liability for Negligent Investigations: When Will a Duty of Care Arise?*, *Deakin Law Review*, 11(1), 33-62. At Retrieved: <https://doi.org/10.21153/dlr2010/art226> .
- Steele, Jenny. (2017). *Tort Law (Text, Cases and Materials)*. 4thed, Oxford University Press, UK.